

# تأثیر مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران بر هندسه‌ی جهانی قدرت بر مبنای اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری

حامد کیانی مجاهد<sup>۱</sup>

چکیده

از منظر مقام معظم رهبری، هندسه‌ی جهانی قدرت در حال تغییر و تحول است. افول قدرت‌های غربی و قدرت یافتن روزافزون ملت‌های آزادی‌خواه خصوصاً ملت‌های مسلمان منطقه خاورمیانه، از مختصات کلیدی معماری نوین بین‌المللی است. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، الهام‌بخش و نقطه آغازین حرکت مردم محور اسلامی در منطقه بود که گام ابتدایی در منظومه‌ی انتقال قدرت از دولت‌های استکباری به ملت‌های مستضعف را برداشت. مسئله مقاله حاضر، تبیین وجوه تأثیرگذاری مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی بر هندسه‌ی نوین قدرت و تشریح ظرفیت‌ها، تهدیدها و فرصت‌های پیش روی نقش‌آفرینی ایران اسلامی در دنیای جدید است. فرضیه‌ی پژوهش حاضر با در نظر گرفتن موقعیت ژئوپلیتیک، عمق راهبردی و گفتمان فطرت محور جمهوری اسلامی از یک‌سو و رویکرد آینده‌پژوهانه‌ی مبتنی بر چشم‌اندازهای غائی نظام و ابزار و لوازم مقتضی وصول به اهداف استراتژیک ملی، توضیح می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه سیاست خارجی جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت نرم فطرت محور و الهام بخشی به بیداری اسلامی و خیزش‌های منطقه‌ای به همراه تأثیر مؤلفه‌های الگوی اقتدار نظامی معنویت‌محور، می‌تواند ذیل رویکردهای منطقه‌ای و جهانی، آینده‌ی جهانی قدرت را به نفع جبهه‌ی جهانی مقاومت رقم بزند.

**واژگان کلیدی:** مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی، الگوی ایرانی اسلامی اقتدار همه‌جانبه، الگوی اقتدار نظامی، قدرت نرم اندیشه‌محور، هندسه‌ی نوین قدرت.

---

۱. دانشجوی کارشناسی معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)؛

## مقدمه

واکاوی رویدادها و وقایع سیاست جهانی در قرن اخیر نشان از ایجاد تغییر و تحولی ایدئولوژیک در معادلات بین‌المللی دارد. کشورهایی که در قرن بیستم سرنوشتی جز تن دادن به استعمار قدرت‌های هژمونیک برای خود متصور نبودند، امروزه متأثر از «تفکر غلبه» شعار استقلال‌خواهی سر می‌دهند و انقیاد مستقیم و غیرمستقیم ابرقدرت‌ها را بر نمی‌تابند. جنبش‌ها و ائتلاف‌های گسترده‌ای نظیر جنبش عدم تعهد نیز با این رویکرد و با هدف استحکام بخشیدن به جبهه‌ی مقاومت آرمانی در برابر قدرت‌های غربی شکل گرفته است. افول تدریجی قطب‌های قدرت و تغییر در هندسه‌ی جهانی قدرت، نقش تعیین‌کننده‌ای برای بازیگرانی ایجاد می‌کند که در صحنه‌ی «تعارضات ایدئولوژیک»، افزون بر عقبه‌ی غنی معرفتی، واجد قدرت اقناع و مشروعیت‌سازی بین‌المللی باشند و بتوانند بدیل نظام حاکم فعلی را به جهانیان عرضه کنند.

در ادبیات نظام بین‌المللی، نابسندگی قدرت سخت و نرم، منجر به تولید مفهومی به نام «قدرت هوشمند» شده، به نحوی که سیاست خارجی بازیگران مهم جهانی بر مبنای کاربست «قدرت هوشمند» پایه‌ریزی و طراحی شده است. توجه عملیاتی به این قسم از قدرت، سهم بسزایی در تحقق حداکثری منافع ملی دارد و رکن مهمی در میدان «نبرد عقاید» تلقی می‌شود. این مقاله با این مفروض که نظام سیاسی - اجتماعی اسلام، نظامی جامع و کارآمد در عرصه‌ی پاسخگویی به اقتضانات دنیای نوین است، در تلاش است تأثیر مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران بر هندسه‌ی جهانی قدرت را در منظومه‌ی تفکراتی مقام معظم رهبری نشان دهد و ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای پیشروی ایران اسلامی در «جنگ تمدن‌ها» را چه در حوزه قدرت نرم و چه در حوزه قدرت سخت به اجمال، تبیین نماید. ثمره‌ی این بحث در بهبود فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی حکومتی و ایفای نقش بهتر در معماری جدید جهانی، نمود پیدا می‌کند.

در این راستا، با بهره‌گیری از روش تحلیلی- کتابخانه‌ای، پس از تشریح مؤلفه‌های قدرت در روابط بین‌الملل، نگاهی به هندسه‌ی کنونی قدرت از منظر مقام معظم رهبری خواهیم افکند و در ادامه مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران را در سه حوزه‌ی قدرت نرم، قدرت سخت (الگوی اقتدار نظامی) و الگوی همه‌جانبه‌ی قدرت (قدرت هوشمند بومی‌شده) از نظر خواهیم گذراند. پس از شناخت مؤلفه‌های قدرت ایران اسلامی در اندیشه‌ی سیاسی رهبری، به سؤال اصلی مقاله خواهیم پرداخت و تأثیر مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی بر جهان در حال تحول را بررسی خواهیم کرد. در نهایت هم درباره‌ی ظرفیت‌ها، تهدیدها و فرصت‌های پیش روی ایران اسلامی در معادلات جدید دنیا به ارائه‌ی بحث می‌پردازیم.

#### ۱. چارچوب نظری تحقیق

موضوع قدرت و تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ی آن به دلیل اهمیتی که داشته در دوران معاصر مورد توجه اندیشمندان و متفکران عرصه‌ی روابط بین‌الملل قرار گرفته و تعاریف متنوعی از قدرت نرم، سخت و هوشمند ارائه شده است. تشریح اجمالی مفاهیم سه‌گانه‌ی قدرت نرم، سخت و هوشمند در آراء صاحب‌نظران غربی، به مثابه‌ی گام نخست در راستای فهم اصولی مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود.

#### ۱-۱. رهیافت نوین قدرت مبتنی بر قدرت نرم

به تدریج از اواخر قرن بیستم، رویکرد «قدرت رابطه‌ای» رهیافت قبلی را با چالش مواجه کرد. قدرت رابطه‌ای به عنوان نوعی علیت توضیح داده می‌شود که در آن رفتار بازیگر «الف» موجب تغییر در رفتار بازیگر «ب» می‌شود (Baldwin, 2003: 185). اثرگذاری بر دیگران از هر راهی به غیر از تهدید، شالوده‌ی مفهوم «قدرت رابطه‌ای» است که تعریفی عام‌تری از قدرت نرم جذابیت‌محور تلقی می‌شود (Reinold, 2003: 13). جوزف نای تعریف محدودتری از این نوع از قدرت بیان می‌دارد که: «قدرت نرم عبارت است

از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار و تطمیع (نای، ۱۳۸۷: ۲۴).  
به تعبیر دیگر «چهره‌ی سوم قدرت» یا همان قدرت نرم ناظر بر شرایط و روابطی است  
که یک بازیگر یا کشور، از طریق ایجاد خودآگاهی کاذب در بازیگر یا کشور دیگر، به  
گونه‌ای ارجحیت‌ها، خواسته‌ها، انتظارات و منافع او را شکل می‌دهد که وی همان چیزی  
را انتخاب کند که مطلوب بازیگر اول باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۸).

قدرت نرم در مقایسه با قدرت سخت از یک سری ویژگی‌ها برخوردار است که عبارت‌اند  
از:

۱-۱-۱. مبتنی بودن بر هنجارها و ارزش‌های جذاب درون فرهنگی (کلاهیجان، ۱۳۸۷:  
۴۵).

۱-۱-۲. مبتنی بودن بر ذهنیت‌ها و تولید عینیت‌های مجازی با هدف تسلط بر جان و  
ذهن دیگران (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۷).

۱-۱-۳. توجه به افکار عمومی و تلاش در جهت تغییر اولویت‌ها و سلاطین عمومی (آقا  
مهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

۱-۱-۴. بازدهی در بلندمدت با اتکا بر هنجارها و مؤلفه‌های فرهنگی که در مدت‌زمان  
طولانی‌تری ایجاد شده و یا اثربخشی دارند (آقا مهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

۱-۱-۵. پیچیده بودن ارزیابی و مقابله به دلیل دشواری اندازه‌گیری هنجارها و نیز ارزیابی  
ذهنیت‌های مردم یک جامعه (واتانابه و کانل، ۱۳۸۹: ۴۸).

۱-۱-۶. تنوع بازیگران در برخورداری از قدرت نرم و اعمال آن (عسگری، ۱۳۸۳: ۱۵۶).  
۱-۲. رهیافت سنتی قدرت

رویکرد سنتی مربوط به تحلیل قدرت، متکی بر «قدرت عناصر ملی» است که میزان  
قدرت کشورها را برحسب عواملی چون سرزمین، رفاه مادی، نیروی نظامی و قدرت  
دریایی محاسبه می‌کند (Baldwin, 2003: 132). این نوع قدرت «قهری» و

«اجبارآمیز»، ملموس و عینی است و اقدام‌های مبتنی بر آن متکی به روش‌های فیزیکی همراه با رفتارهای خشونت‌آمیز، براندازی آشکار و نیز حذف دفعی است (حسینی، ۱۳۹۲: ۱). در نگاه لیبرال و غرب‌مآبانه، قدرت سخت صرفاً در چارچوبه‌ی امور مادی تعریف می‌شود و کاربرد آن در هنگامی است که اعمال قدرت نرم و عملیات تطمیع و فریب مؤثر واقع نشده باشد. آنگاه با استفاده از توان نظامی، تهدید، عملیات تروریستی و اقدامات جاسوسی، همسو کردن جهت‌گیری‌های کشور هدف با سیاست‌های هژمون صاحب قدرت در دستور کار قرار می‌گیرد تا بدین طریق منافع ملی قدرت‌های جهانی تأمین گردد. توان تسلیحاتی، نیروهای پرتعداد آموزش‌دیده، نیروهای هوایی، دریایی، زمینی و سایبری پیشرفته و به روز و دیگر امکانات سخت‌افزاری نیز در راستای استراتژی تهاجم رعب‌آور بهره‌برداری می‌شود. شیوه نگاه به قدرت به شکل سنتی، شیوه‌ی ناکارآمدی است، چرا که در آن همه عناصر قدرت باهم ترکیب شده و نمی‌تواند دگرگونی‌های ناشی از سیاست جدید جهانی را پوشش دهند. سه نقص در قضیه‌ی سنت‌گرایی در مورد قدرت مطرح است که به طور خاص مورد توجه قرار می‌گیرد. نخست اینکه، استفاده از قدرت سخت برای دولت‌های بزرگ جدید نسبت به سده‌های قبل هزینه‌های بیشتری دارد (نای، ۱۳۸۲: ۳۶۸). دیگر آنکه دستاوردهای قدرت سخت، کوتاه‌مدت و مقطعی است و با از میان برداشته شدن قدرت سخت، نتایج حاصل از آن نیز بعد از مدت‌نه‌چندان زیادی از بین می‌رود (بابایی، ۱۳۸۷: ۸۲)؛ که این نقص نیز توجه ما را به نکته سوم جلب می‌کند؛ یعنی آن‌که سنت‌گرایان که به قدرت مادی توجه دارند، به دیگر اشکال غیرمادی قدرت توجهی ندارند؛ اشکالی که ممکن است در زمینه موضوعات مختلف قابل تعریف و حتی جایگزینی با منابع سخت قدرت باشد و بنابراین اشکال مادی قدرت را تکمیل کند.

### ۳-۱. رهیافت نوین قدرت مبتنی بر قدرت هوشمند

روندهای بلندمدت اقتصاد و جامعه، مثل جهانی شدن و انقلاب اطلاعات، این امکان را برای برخی گروه‌های مقاومت فراهم آورد تا بتوانند در فضای جهانی با قدرت‌های بزرگ درگیر شوند و هنجارهای نظام جهانی، امنیت و اقتصاد این نظام را با تهدید مواجه کنند. در حوزه نرم با اثبات ناتوانی آن‌ها در برابر تهدیدات این شبکه‌ها، تصویر این قدرت‌ها به عنوان نماد کارآمدی به یک‌باره فرو ریخت و بروز و تشدید رفتارهای غیرانسانی مانند بازجویی‌ها و شکنجه‌های فجیع، اسطوره‌ی آزادی‌خواهی و انسان‌دوستی این قدرت‌ها را نابود کرد و همه این موارد منجر به شکست نسبی و مقطعی راهبرد قدرت نرم قدرت‌های جهانی در عرصه‌ی جهانی شدن است.

به دنبال درگیری‌های نظامی به بهانه‌ی جنگ علیه تروریسم، قدرت سخت کشورهای قدرتمند نیز به چالش کشیده شد و هزینه‌ها و فجایعی که زاینده‌ی اقدامات بشردوستانه‌ی آن‌ها در جهان بود، موجی از تنفر و بی‌اعتمادی را علیه قدرت‌های هژمونیک برانگیخت. راهبردی که قرار بود عامل ایجاد ارباب باشد، تنفر آفرید و هیمنه‌ی شکست‌ناپذیری غرب را در افکار عمومی بین‌المللی فرو ریخت. ناکارآمدی قدرت سخت و محدودیت‌های قدرت نرم، نظریه‌پردازان را به چاره‌جویی در خصوص اعمال قدرت در فضای پیچیده‌ی جهانی واداشت. حاصل این تلاش‌های فکری، تولد مفهومی به نام قدرت هوشمند بود (کبریائی زاده، ۱۳۹۰: ۱۰). کاربرد قدرت نرم در عمل نشان داد که بهترین انتخاب یک کشور، سیاستی است که ترکیبی از قدرت نرم و قدرت سخت باشد و همراه با اعمال زور، اقلان نیز به کار رود. قدرت هوشمند پاسخی است به ناکامی‌هایی که در مؤلفه قدرت نرم و قدرت سخت در گذر زمان تجربه شده است و امروزه تحولات ناشی از جهانی شدن و ارتباطات به راهبردی کلیدی برای تبیین و درک پیچیدگی‌های سیاست جدید جهانی تبدیل شده است.

قدرت هوشمند هم کارویژه‌های قدرت نرم که شامل قدرت کمک‌های خارجی، دیپلماسی و تحریم را در اختیار دارد و هم شامل استفاده از قدرت نظامی می‌شود که شکل رایج قدرت سخت است (Minamide & Reynolds, 2013: 1). در واقع توسعه یک راهبرد عمل‌گرایانه مبتنی بر منابع و ابزارهای مناسب برای تحقق اهداف در قرن جدید تلقی می‌شود. کثرت عوامل دخیل در فرایند تصمیم‌سازی سیاسی به طور معمول باعث از قلم افتادن یک یا چند مؤلفه‌ی اثرگذار در سیاست‌گذاری مبتنی بر قدرت هوشمند می‌شود و این امر سبب کاهش میزان همخوانی هدف‌گذاری‌های مطلوب با مقدار اهداف محقق شده می‌گردد؛ که به کار بردن ابزارهای حساس در مقابل تغییر و تجمیع تفکرات سیستمی تا حد زیادی برطرف‌کننده‌ی نقاط ضعف قدرت هوشمند خواهد بود.

## ۲. اوضاع کنونی حاکم بر هندسه‌ی جهانی قدرت از منظر مقام معظم رهبری

بررسی اوضاع و وقایع جهانی نشان می‌دهد که دنیا در حال عبور از گذرگاه و رسیدن به یک وضع جدید است. نظم مستقر حاکم بر دنیا در حال تغییر و تبدیل بوده و قطب‌های قدرت جای خود را به مجموعه‌ای از کشورها، فرهنگ‌ها و تمدن‌های متنوع می‌دهند. جهانی که تا چندی پیش بر مدار خواسته‌ها و تصمیمات چند هژمون غربی و اروپایی اداره می‌گردید، اکنون بازیگران دولتی و فرادولتی بسیاری را در خود جای داده که با جهت‌گیری‌ها و اراده‌های سیاسی خود، معادلات بین‌المللی را دستخوش دگرگونی می‌کنند؛ تا آنجا که قطب‌های قدرت، وادار به پذیرش تصمیمات آن‌ها می‌شوند.

اگر به هندسه‌ی جهانی قدرت جهانی با نگاه غیرمتعصبانه بنگریم، شواهد تغییرات بنیادین به وضوح دریافته می‌شود. در نگاه رهبر معظم انقلاب، شواهد این تغییر، در ذیل تحلیل مؤلفه‌های چهارگانه‌ی آن به شرح زیر است:

۱. شروع بیداری اسلامی از آفریقا و گسترش آن به سمت مصر و غرب آسیا یکی از مصادیق عینی تغییر معماری نظام بین‌المللی است.

۲. خیزش ناموفق غرب به رهبری آمریکا برای تسلط هرچه بیشتر بر منطقه خاورمیانه، شاهد دیگر این تغییر است. منطقه‌ی حساس آسیای غربی، به دلیل وجود منابع بسیار غنی و عظیم مورد نیاز غرب و همچنین منشأ موج اسلامی از دیرباز مورد توجه کشورهای غربی قرار داشته تا آنجا که جبهه‌ی غربی تمام تلاش خود را برای سیطره بر منطقه به کار برده است؛ اما پس از حمله به عراق و افغانستان، دچار شدن به ضعف ساختاری و بحران مشروعیت، مانع از ادامه‌ی رقابت سلطه‌جویانه‌ی آن‌ها گردید و تشکیک در کارآمدی الگوی غربی و تنفر افکار عمومی بین‌المللی را باعث شد.

۳. حوادث اروپا که بر سر کشورهای ثروتمند غرب اروپا سایه افکنده است، نشانه‌ی دیگر این دگرگونی است. بحران‌های اقتصادی و سیاسی اروپا که نتایج خطاهای تاکتیکی، فلسفی و جهان‌شناختی حاکم بر جبهه‌ی غربی است، پس از گذشت یک دوره بلندمدت، در این سال‌ها خودش را نشان داده و برای اروپا و غرب مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرده است.

۴. افول و جهه‌ی آمریکا، یکی دیگر از نشانه‌های این تحول اساسی است که در نقشه دنیا به چشم می‌خورد. آمریکا، چندین دهه به عنوان قدرت اول ثروت و علم و فناوری و نظامی دنیا شناخته می‌شد و با همین وجهه در دهه‌های اول نیمه‌ی قرن بیستم، در اوج قدرت قرار داشت؛ اما امروزه این وجهه به طور کامل از بین رفته و ملت‌ها به دید متهم به آمریکا می‌نگرند. پناه بردن به استفاده از زور، خشونت و سرکوب و بروز تعارض‌های عملی شعارها و سیاست‌های اعمالی غرب، تنفر عمومی را برای آن‌ها به ارمغان آورده است (مقام معظم رهبری، ۹۱/۵/۲۲).

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت در سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. نشانه‌ی بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه به وحی. بشریت از مکاتب و



ایدئولوژی‌های مادی عبور کرده است» (مقام معظم رهبری، ۹۰/۱۱/۱۰). جنبش‌های اسلامی که با سردمداری جمهوری اسلامی ایران در ستیز با آمریکا و متحدانش احیا شدند، امروزه پایه‌های دوگانه‌ی «فکری و ارزشی» و «نظامی و سیاسی» غرب را به چالش کشیده و آن‌ها را در میدان تعارضات ایدئولوژیک، زمین‌گیر کرده است. به نظر مقام معظم رهبری مراکز استکبار جهانی در مقابله با حرکت اسلامی که نماد واقعی‌اش جمهوری اسلامی ایران است دارند آخرین تلاش‌های خود را می‌کنند. در بسیاری از عرصه‌ها تلاش‌هایشان و تدبیرشان به بن‌بست خورده و کار از دستشان در رفته است (مقام معظم رهبری، ۸۹/۴/۲).

### ۳. مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران

گسترش حوزه‌ی نفوذ ایدئولوژیک و عمق راهبردی ایران اسلامی در منطقه و تبدیل شدن جمهوری اسلامی به بازیگری تأثیرگذار در صحنه‌ی سیاست جهانی، از نقش مهم مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی در معادلات قدرت حکایت دارد. در این مقاله، از رهگذر تحلیل نظریات موجود در این حوزه، به تشریح مؤلفه‌های قدرت ایران اسلامی پرداخته شده است.

### ۳-۱. مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

شاید اغراق نباشد اگر ادعا کنیم آنچه انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌ها متمایز ساخته است بعد فرهنگی و جنبه‌های نرم‌افزارگرایانه‌ی آن است. وقوع انقلاب در کشوری که ژاندارمی منطقه را یدک می‌کشید و با پشتیبانی بلوک‌های شرق و غرب، به قطب تسلیحات نوین نظامی تبدیل شده بود، آن‌هم به دست ملتی که جز شعار و خون ابزار دیگری نداشتند، برای دنیای غرب، غریب می‌نمود. آنچه تا قبل از انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران در عرف جهانی دیده می‌شد، شکل‌گیری انقلاب‌ها با هدف رهایی از استبداد و اختناق و کسب آزادی و تأمین معاش و مسکن بودند؛ وقوع چنین انقلابی با داعیه‌ی مذهبی و دینی

که قدرت بسیج همگانی را داشته باشد، روی دیگر سکه‌ی انقلاب‌ها را نشان داد که یک انقلاب می‌تواند بر پایه‌ی قدرت معنوی و غیرمادی دین نیز استوار باشد و به پیروزی برسد. این همان حکایت بعد نرم‌افزاری انقلاب است که تا آن زمان از دیده‌ها پنهان مانده بود و با انقلاب ایران در مطالعات مربوط به انقلاب‌ها خود را آشکار کرد (جمال‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۲).

ایران پس از انقلاب اسلامی، با تکیه بر قدرت نرم باورها و اعتقادات ایدئولوژیک خود مبتنی بر مذهب شیعه، سیاست تبدیل‌شدن به یک قدرت منطقه‌ای را تعقیب کرده است. مفهوم امت اسلامی، مفهومی بود که عملاً انقلاب اسلامی ایران به ادبیات جهان وارد کرد. ولی مشکلات داخلی و جنگ تحمیلی و برخورد هژمون برون‌زا و مداخله‌گر، تحقق اهداف منطقه‌ای ایران را با مشکلاتی مواجه کرد. هدف ایران از تعقیب این سیاست‌ها، آن بود که مردم منطقه در تعیین سرنوشت خود سهیم شوند. این تلاش‌ها بی‌نتیجه نبوده و به نظر می‌رسد اصلاحات و رفرم‌هایی که اینک در منطقه صورت می‌گیرند، ناشی از قدرت نرم حرکت‌های فرهنگی ایران باشند (رضایی، ۱۳۸۴). در واقع آنچه دشمنان ایران را نگران می‌کند، نه قدرت نظامی ایران است و نه قدرت اقتصادی آن، بلکه نگرانی آن‌ها قدرت نرمی است که از فرهنگ الهام‌بخش ایرانی و ایدئولوژی شیعه نشئت گرفته و ارائه‌دهنده‌ی یک الگوی جدید برای اداره‌ی جامعه و حکومت است (مرادیان، ۱۳۹۲).

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که ملهم از الگوی اسلامی تعامل بین‌المللی تدوین گردیده، چهار موضوع به عنوان مؤلفه‌های بنیادین قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است. این چهار مؤلفه عبارت‌اند از: الگوی ولایت فقیه، گفتمان عدالت، سلطه‌ستیزی و فرهنگ ایثار و شهادت. منابع قدرت در این دیدگاه لزوماً باید قید شرعی سازی را واجد باشند. در واقع استفاده از ابزار غیرشرعی برای بیشینه‌سازی قدرت صحیح

نیست. چه آن که شرع مقدس نیز حکم به تحریم آن‌ها داده است. لذا بهره‌برداری از ابزار مدرن ارتباطات و فرهنگ مادامی که حرمت آن ثابت نشده است، لازم است.

### ۳-۱-۱. الگوی ولایت فقیه

ولایت فقیه را بدان جهت می‌توان از منابع قدرت نرم دانست که خود مظهر نظام ولایت و منبع تولید معرفت دینی در جامعه است. ولی فقیه منبع انحصاری این کارکرد نیست، اما از آن رو مهم‌ترین منبع است که در رأس جامعه قرار دارد و بینش‌ها و معرفت‌ها که در قالب فرهنگ، صورت‌بندی می‌شوند از رأس جامعه نشئت گرفته و جامعه را شکل می‌دهد. ولی فقیه رکن رکن خیمه‌ی اجتماع است که رابطه‌ی مردم با او تبعیت مطلق و پایدار است. از منظر رهبر انقلاب، علت دشمنی عمیق آن‌ها [دشمنان] با اصل ولایت فقیه نیز همین پیوند مستحکمی است که بین مسئولان و مردم در سراسر کشور وجود دارد. پیوندی که در زمره‌ی دستاوردهای نظام اسلامی محسوب می‌شود. ایشان ایجاد میلیون‌ها رابطه‌ی دینی میان دل‌های مردم با محور و مرکز نظام را معنای اصل ولایت فقیه برمی‌شمارند (مقام معظم رهبری، ۷۹/۵/۵). این ملازمت، همراهی و دلسوزی، فقط در صورت وجود در رابطه‌ی بین ولی امر و مردم، در رابطه‌ی بین آحاد مردم نیز حاکم خواهد شد و به تولید سرمایه‌ی اجتماعی و تعاون منجر می‌گردد.

یک کارکرد دیگر ولایت فقیه در چالش‌های تاریخی و مواجهه با جریان‌های فکری جدید، شاخص بودن اندیشه‌های بنیادین اوست. یک واقعیت تاریخی این است که جریان‌های ایدئولوژیک با بروز تحولات اجتماعی و مواجهه با اندیشه‌های جدید برای تحلیل موج‌های جدید و شناسایی مبانی، روش‌ها و پیامدهای آن‌ها، نیاز به شاخص دارند تا بتوانند توازن سرعت و دقت را حفظ کنند. شاخص دیگر، یکپارچه بودن نظام سیاسی متأثر از وحدت ولایت فقیه است. این یکپارچگی عیناً معنای قدرت است و به این دلیل

یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید (رستمی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۳).

### ۳-۱-۲. گفتمان عدالت

داعیه‌ی جمهوری اسلامی ایران برقراری عدالت در سطح بین‌المللی است و اهداف خود را فراتر از مرزها جست‌وجو می‌کند؛ یعنی به موازات تلاش برای تحقق خواست‌ها و نیازهای داخلی، درصدد دستیابی و تحقق آرزوهای خود در ورای مرزهای جغرافیایی ایران است. تحقق این عدالت در سطح جهانی و بین‌المللی، تنها از طریق استقرار نظم جهانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی امکان‌پذیر است. امام خمینی تصریح و تأکید می‌کند، هدف اسلام و انقلاب اسلامی، تنها برقراری عدالت در ایران یا حتی جهان اسلام نیست؛ بلکه هدف آن، استقرار عدالت در سراسر جهان است. اسلام داعیه‌ی جهانی دارد، بنابراین خاص یک مملکت و یا گروه خاصی از مسلمانان نیست و برای کل بشر آمده است. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، تصریح می‌کنند: «گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است؛ همه‌چیز ماست؛ منهای آن جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت» (خواجه سروی، ۱۳۸۸: ۱۲).

گفتمان عدالت یک هدف آرمانی است و شرط تحقق آن تدوین سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که بتواند جامعه‌ی اسلامی را به عدالت برساند و مبتنی بر معنویت و عقلانیت باشد. حضور معنویت باعث می‌شود که عدالت از تبدیل شدن به ظاهر سازی و ریاکاری مصون بماند و عدالت نیز شرط لازم تحقق عدالت است. چرا که اگر عدالت نباشد، پیاده شدن عملیاتی عدالت با مشکل ماهوی و ساختاری روبرو می‌شود. مقام معظم رهبری، ضمن تشریح گفتمان عدالت، در رابطه با جایگاه این گفتمان در مقام الگوسازی می‌فرماید: اگر بخواهید الگو بشوید و این کشور برای کشورهای اسلامی الگو بشود، بایستی گفتمان حقیقی و هدف‌والایی که همه برای او کار می‌کنید، این [گفتمان عدالت] باشد (مقام

معظم رهبری، ۸۷/۶/۲). تبدیل مفهوم انتزاعی عدالت به «گفتمان عدالت» زمانی محقق می‌شود که افکار عمومی به ویژه فضای تفکرات بین الاذهانی نخبگان به سویی حرکت کند که معیار گزینش و فعالیت جریان‌ها، اشخاص و احزاب، میزان تقید آن‌ها به عدالت-محوری باشد و همه‌گیری این گفتمان باعث گردد که تمامی جریانات اجتماعی زیر پرچم عدالت، مجتمع گردند (مقام معظم رهبری، ۸۳/۸/۱۰).

پیاپی سازی «گفتمان عدالت» در فضای اجتماعی، الگوی کشورهایی خواهد شد که چشم امید به توفیق ایران اسلامی در مسیر ایستادگی و بالندگی دارند تا آن‌ها نیز عملیاتی بودن این گفتمان را به عینه مشاهده کنند و با عزم بیشتری به گام زدن در راه عدالت محوری اهتمام ورزند.

### ۳-۱-۳. سلطه‌ستیزی

انقلاب اسلامی در دنیایی که تقسیم‌بندی دوگانه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، به گفتمان رایج آن تبدیل شده بود، توانست موجبات پدیدار شدن روحیه‌ی ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار در جهان اسلام را فراهم آورد و باعث احیای امید به حاکمیت مجدد آرمان‌های اسلامی گشت. قیام سال ۱۳۵۷ مردم ایران، نظام شیطانی موجود در دنیا را با ارائه‌ی یک نظام صحیح منطبق بر عقل و خواست انسان‌ها، تخطئه کرد. این نظام، نه فقط در روابط انسان‌های داخل کشور بلکه در روابط همه‌ی انسان‌ها با یکدیگر، مبتنی بر عدل است (مقام معظم رهبری، ۸۳/۶/۳۱). آرمان کلیدی جمهوری اسلامی، آرمان «ضدیت با نظام سلطه» است که در همه‌ی دنیای اسلام طرفدار حداکثری دارد و حرف دل همه‌ی ملت‌های مسلمان است (مقام معظم رهبری، ۸۶/۲/۲۷). تا قبل از وقوع انقلاب ایران، هندسه‌ی قدرت جهانی بر مدار منفعت‌طلبی سلطه‌گران استوار بود. «نفوذ قهرآمیز»، سرملت‌ها را در برابر صاحبان زر و زور خم کرده بود و اکثریت دولت‌ها و ملت‌های دنیا در مقابل سرنیزه‌داران خارجی تسلیم بودند و تحکم ظالم بر مظلوم به عادت تثبیت‌شده‌ی جهانی

تبدیل شده بود. این عادت با انقلاب اسلامی از سر دنیا رفت و قاعده‌ی بازی جهانی به نحوی تغییر داده شد که حرف آخر را ملت‌ها بزنند، نه صاحبان قدرت بین‌المللی (مقام معظم رهبری، ۸۷/۱۱/۹).

طرح جدیدی که انقلاب ایران مطرح کرد حکومت مدعیان دین را به لرزه درآورد و به‌جای آن حکومت ارزش‌های دینی را ارائه داد و در جهت استقلال علمی، اقتصادی و سیاسی کشور گام برداشت و بدین‌سان عداوت و دشمنی نظام سلطه را برانگیخت و موج بیداری اسلامی را ایجاد کرد. تفکرات ظلم‌ستیزانه‌ی انقلاب، موقعیت بی‌بدیلی را برای کشور در سطح منطقه و جهان ایجاد کرده که تأثیر به‌سزایی در قدرت نرم جمهوری اسلامی داشته است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: آن‌ها [آمریکایی‌ها] می‌دانند که اگر امروز کشور و ملت ایران بر قله‌ی فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی و عزت است، بیشتر در بین مسلمانان و جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن‌ها بیشتر آن را قبول خواهد کرد (مقام معظم رهبری، ۸۳/۴/۱).

### ۳-۱-۴. فرهنگ ایثار و شهادت

شهادت‌گرایی از واژگانی است که با فرهنگ ایرانیان عجین گشته و پس از انقلاب اسلامی ایران و خصوصاً در دوران دفاع مقدس، در قالب فرهنگ استقامت، سلحشوری و فداکاری نمود یافته است. بعد از اسلام و در مکتب شیعه با الهام از عاشورا، روحیه شهادت‌طلبی در دوره‌های مختلف بازتولید می‌گردد؛ که باید گفت اساساً شهادت از اجزاء جدانشدنی هویت شیعه است (مصلی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۳۶). با توجه به مبانی نظری و ریشه‌های کسب قدرت در اسلام، می‌توان از فرهنگ مقاومت و روحیه شهادت‌طلبی به منزله یکی از اصلی‌ترین منابع قدرت نرم در بین مسلمانان یاد کرد (افتخاری و شعبانی، ۱۳۸۹: ۹۹). مقاومت و شهادت در اندیشه سیاسی شیعه، عامل نجات‌بخش و یک هدف استراتژیک تلقی می‌شود که خاستگاه آن اعتقادات و باورهای دینی مردم مسلمان است. حضور این

دو عنصر در حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان، نقش برجسته‌ای در به وجود آوردن هویت دینی، فرهنگی و بومی مسلمانان داشته و در هر دوره‌ای که از آن غفلت شده، بیچارگی و ذلت را به دنبال داشته است.

برای تبارشناسی مفهوم شهادت‌طلبی در سیر تاریخی ایرانیان، می‌توانیم پیشینه این فرهنگ را در قالب مفهوم «جان‌نثاری» در بین ایرانیان قبل از اسلام، اساطیر و ادبیات داستانی پیدا کرد. ورود اسلام به ایران و پذیرش مذهب تشیع با الهام از عاشورا، روحیه شهادت‌طلبی را در بین ایرانیان دوچندان کرد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۳۵). فرانسیس فوکویاما می‌گوید: «شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیررس ماست. این پرنده دارای دو بال است، یک بال سرخ و بال دیگر سبز. بال سرخ شیعه، شهادت‌طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است» (ایزدی، ۱۳۸۷: ۸). بر این مبنای تاریخی و اعتقادی، مردم مسلمان ایران در دوران انقلاب و پس‌ازآن، نشان دادند که از شهادت ترسی ندارند؛ بنابراین، آرزوی شهادت به منزله عامل تولید قدرت نرم در نظام جمهوری اسلامی ایران که الهام‌گرفته از مکتب عاشورا بود، بین جوانان چنان روحیه‌ای به وجود آورد که باعث پیروزی در دوران دفاع مقدس شد. امروزه نیز نپذیرفتن سلطه و ذلت، نمود فرهنگ شهادت‌طلبی است که در بین ایرانیان ظهور و بروز دارد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ تلاش کردن با سرمایه‌گذاری از خود برای اهداف بلند مدت مشترک بین هم‌همی مردم؛ که البته در مورد ما آن اهداف، مخصوص ملت ایران هم نیست، برای دنیای اسلام بلکه برای جهان بشریت است ... این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه‌ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد؛ به عقب بر نخواهد گشت و پیش خواهد رفت (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷).

### ۳-۲. مؤلفه‌های قدرت سخت جمهوری اسلامی ایران

قدرت سخت جمهوری اسلامی که متأثر از شیوه‌ی نگرش کل‌نگر اسلام به مؤلفه‌ی نظامی قدرت است مبتنی بر دو پایه استوار گردیده است. وجه اول آن در حوزه‌ی امکانات و فناوری نظامی، پشتیبانی و تدارکاتی تعریف می‌شود و وجه دوم آن مربوط به بعد معنوی و تأثیر مؤلفه‌های غیرمادی نشئت گرفته از امداد غیبی بر فرایند کسب اقتدار نظامی است.

#### ۳-۲-۱. پایه‌ی تکنولوژیک و سخت‌افزاری قدرت

شیوه‌ی نگرش به قدرت در هندسه‌ی اندیشه‌ی اسلامی، نقطه‌ی مقابل تفکرات غربی شمرده می‌شود. از منظر اسلام، کسب اقتدار نظامی از وظایف مهم جامعه‌ی اسلامی است که جنبه‌ی بازدارندگی و دفاع دارد و سبب ایجاد خوف و ترس در دل دشمنان شده و عزت و استحکام ملی را برای جهانیان آشکار می‌کند و می‌تواند نمایشگر توانایی‌های عمومی و بین‌المللی کشور باشد. پایه‌ی فناوریانه و سخت‌افزاری قدرت در نگاه رهبری به تنهایی سودمند نخواهد بود. از منظر ایشان سرنوشت‌ساز بودن تعداد جمعیت یا کثرت عدّه و عدّه‌ی نظامی و تجهیزات درگرو تلفیق آن‌ها با ایمان، بصیرت، عزم راسخ و نگاه بلندمدت به انتهای صفوف است (مقام معظم رهبری، ۹۳/۸/۲۶). الگوی اقتدار نظامی در اسلام که بر دوپایه‌ی قوای مستحکم ظاهری و امداد غیبی ایمان محور استوار است، در جهت تهدید و تهاجم ملت‌ها به کار گرفته نمی‌شود؛ چرا که این قوا محافظ آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی‌اند و نه عامل سلب آن‌ها. نیروهای مسلح مدافع استقلال، آزادی، هویت ملی و دیگر باورهای حقیقی‌اند و بر مبنای این تفکر و بر اساس مصالح و اقتضائات ملی، از مظلومان سراسر جهان حمایت و با ظالمان و مستکبران معارضة می‌کنند. توفیق در این معارضة درگرو کسب اقتدار حداکثری است؛ اقتداری که از منظر رهبر انقلاب، علاج ملت ایران است. «بخشی از این اقتدار به مسائل اقتصادی و فرهنگی و سیاسی ارتباط پیدا می‌کند و بخش مهمی از آن‌هم مرتبط با مجموعه‌های نظامی است که باید روز به



روز توانایی‌های خود را از همه جهت افزایش دهند» (مقام معظم رهبری، ۸۱/۸/۲۶). افزون بر توان نظامی، موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران نیز در زمره‌ی مؤلفه‌های اقتدار غیر نرم کشور به حساب می‌آید. سواحل طولانی و تسلط بر نقاط استراتژیک، واقع شدن در دو حوزه‌ی بزرگ انرژی و قرار گرفتن در راه اتصال آسیای مرکزی و قفقاز به راه‌های آزاد، نقش مؤثری در برتری ژئوپلیتیک ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه دارد و راه پیشرفت‌های نظامی ملی را هموارتر می‌کند.

### ۳-۲-۲. پایه‌ی معنوی و غیرمادی نشئت گرفته از نظریه‌ی امداد الهی

تفاوت اصلی بین قدرت سخت غربی با استحکام قدرت نظامی اسلامی در «الگوی قدرت» است. اسلام اقتدار نظامی را در منظومه‌ای فرا مادی تعریف می‌کند و علاوه بر مؤلفه‌های ظاهری قدرت، از «نظریه‌ی امداد الهی» در الگوی اقتدار خود سخن به میان می‌آورد و پیروزی در عرصه‌های نبرد را منوط به مظاهر نصرت الهی می‌داند (کرباسی، ۱۳۹۱: ۵۴-۴۶). نادیده گرفتن «نظریه‌ی امداد الهی» یکی از اشتباهات بزرگ ایدئولوژیک است و بی‌توجهی به آن دست جامعه‌ی اسلامی را از ابزاری تهی می‌کند که به مثابه‌ی دست برتر اسلام نسبت به غرب است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنت‌های الهی را، سنت‌هایی که خدا از آن‌ها خبر داده است را ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است ... همه‌ی عوامل سعادت، شقاوت و پیشرفت و پسرفت و به موفقیت‌ها دست یافتن و نیافتن، در چهارچوب عوامل مادی متعارفی که اهل ماده، اهل محسوسات، به آن‌ها دل خوش می‌کنند، محدود نمی‌ماند؛ این عوامل در کنارش وجود دارد (مقام معظم رهبری، ۹۳/۴/۱۶). لزوم دقت در سنت‌های حاکم بر نظام خلقت، ایجاب می‌کند که از توجه به نمونه‌های متعدد ظهور عینی امداد الهی در رابطه با مؤمنان و جامعه‌ی ایمانی غفلت

نورزیم. گونه‌های مختلف قدرت الهی که خداوند متعال در قالب امداد الهی به مؤمنان وعده داده یا به آنان عطا کرده و در نتیجه باعث افزایش قدرت آن‌ها شده است، «نظریه‌ی امداد الهی» را تأیید می‌کند. منظور از این امداد، جلوه‌های قدرت الهی است که خداوند متعال به وسیله‌ی آن‌ها مؤمنان را یاری کرده و قدرت ایشان را افزایش می‌دهد؛ اما چگونگی و کیفیت این یاری و نجات مشخص نیست.

«نظریه‌ی امداد الهی» در بررسی منابع قرآنی در یازده حوزه تقسیم‌بندی می‌شوند و عبارت‌اند از:

الف. «من حیث لا یحتسب» بودن امداد الهی برای اهل تقوا (طلاق، ۲ و ۳؛ حشر، ۲؛ مائده، ۵۲)

ب. ایمن‌سازی از خطرات (توبه، ۱۴؛ یوسف، ۶۴)

ج. امداد رسانی با نصرت الهی (توبه، ۱۴؛ یوسف، ۱۱۰؛ محمد، ۷؛ صف، ۱۳؛ انفال، ۲۶)

د. هلاک کردن ظالمان (ابراهیم، ۱۵؛ اعراف، ۱۲۹)

ه. بی‌نیاز کردن مؤمنان از دیگران (توبه، ۲۸)

و. خیررسانی و اعطای حسنات در دنیا و آخرت (زمر، ۱۰)

ز. سنت هدایت و راهنمایی مؤمنان (عنکبوت، ۴۹)

ح. کمک‌رسانی و معیت مؤمنان (توبه، ۱۲۳؛ نحل، ۱۲۸؛ انفال، ۶۶؛ انفال، ۱۹)

ط. سنت نجات از مهالک (یونس، ۱۰۳)

ی. سنت دفاع خداوند از مؤمنان در برابر دشمنان (حج، ۳۸؛ فتح، ۲۲؛ انفال، ۲۶)

ک. سنت استخلاف اهل ایمان در زمین فارغ از میزان قدرت مادی‌شان (نور، ۵۵؛ قصص،

۵ و ۶)

توان نظامی و اقتدار سخت جمهوری اسلامی امتیاز بزرگی است که اگر به صورت صحیح و مدیریت شده با قدرت نرم کشور تلفیق شود، می‌تواند منشأ اثرات چشم‌گیری در تحقق

چشم‌اندازها و راهبردهای نظام اسلامی شود و جایگاه ایران و تفکرات اسلامی را بیش‌ازپیش در منطقه و جهان تحکیم کند و پیروزی‌هایی را برای جبهه‌ی مقاومت به ارمغان بیاورد.

### ۳-۳. الگوی اقتدار همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران (الگوی بومی‌شده قدرت هوشمند)

قدرت هوشمند در نگاه اسلامی ذیل گفتمان‌های شریعت محور جای می‌گیرد. گفتمان شریعت محور به گفتمانی گفته می‌شود که به دنبال تبیین مقوله‌ی قدرت- اعم از سخت و نرم- بر اساس آموزه‌های یک شریعت آسمانی- که در اینجا شریعت اسلام در نظر ماست- است. در این گفتمان تلاش می‌شود توصیف و تجویز قدرت مبتنی بر معارف دینی صورت گیرد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۷). دکترین سیاست خارجی رهبر معظم انقلاب نیز در امتداد اصول تعامل بین‌المللی اسلام و بر طبق مفاهیم حاکم بر اقتضانات اقتدار همه‌جانبه‌ی ملی در چارچوب گفتمان شریعت‌محور نسق یافته، به طوری‌که گزاره‌های دستورات اسلامی را در ارکان مختلف آن می‌توان مشاهده کرد. تدوین نقشه‌ی جامع الگوی اقتدار همه‌جانبه یا همان قدرت هوشمند بومی‌شده، نیازمند همت ویژه‌ی متصدیان سیاست‌گذاری کشور و استخراج نقاط ضعف ساختاری و راهبردهای عملیاتی پیاده‌سازی سیاست‌های قدرت هوشمند در بدنه‌ی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی ملی است؛ مسئله‌ای که تاکنون به طور شایسته مورد توجه قرار نگرفته و مغفول مانده است. با توجه به این‌که قدرت هوشمند نیازمند برنامه‌ای هوشمند است، باید در وهله‌ی اول در چشم‌انداز نهادی قدرت سخت و نرم کشور، اصلاحاتی انجام داد. نابرابری بسیار بین مؤسسات و امکانات قدرت سخت در بودجه، نفوذ و کارایی سازمانی باید به عنوان موضوعی جدی و منفعت ملی تصحیح شود. اگر گروه کوچک اما رشد یافته‌ای از رهبران سیاسی با جایگاه مهم ملی به میدان بیایند و قدرتمندانه خیزش ملی درباره‌ی این اصلاحات به راه بیندازند،

دست‌یابی به قدرت هوشمند ممکن خواهد بود. با در نظر گرفتن پیچیدگی مسائل مفهومی، نهادی، سیاسی و فرهنگی، آشکار می‌شود که دست‌یابی به قدرت هوشمند، به خصوص در کوتاه‌مدت آسان نخواهد بود (آشنا، ۱۳۹۰: ۱۳۲)؛ اما این‌که مؤلفه‌های قدرت هوشمند بومی‌شده جمهوری اسلامی چیست و چه جایگاهی در فرایند تصمیم‌سازی ملی دارد، خود بحث مجزایی است که از حوزه‌ی موضوعی مقاله خارج بوده و نیازمند گفتار دیگری است.

#### ۴. تأثیر مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران بر هندسه‌ی جهانی قدرت در

##### اندیشه‌ی مقام معظم رهبری

بی‌گمان قدرت‌های غربی در آن زمانی که گام در مسیر اعمال تحریم و فشار علیه جمهوری اسلامی می‌گذارند، هیچ‌گاه گمان نمی‌کردند که در سال‌هایی نه‌چندان دور، قدرت منطقه‌ای ایران اسلامی و هم‌پیمانان منطقه‌ایش در جبهه‌ی مقاومت، معادلات منطقه‌ای آن‌ها را بر هم بزند و آن‌ها را در رویارویی با جبهه‌ی مقاومت به ضعف بکشانند. مؤلفه‌های قدرت نرم و قدرت سخت ایران اسلامی در وهله‌ی اول با تأثیر گذاردن بر جریان‌ات منطقه، ایالات متحده را در رسیدن به اهدافش در غرب آسیا تا حد زیادی ناکام گذارد و آن‌ها را مجبور کرد تا برای جلوگیری از گسترش و تثبیت خیزش‌ها و قیام‌های منطقه‌ای، دست به دامان گروه‌های تروریستی و حامیان منطقه‌ای آن‌ها نظیر عربستان سعودی و ترکیه شوند و با دخالت در نظام‌های سیاسی ایجادشده در جوامع انقلابی مثل مصر، موج بیداری اسلامی را دچار سکون مقطعی کنند. در این میان نظام جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت خود، سیری شتابان به سوی اهداف منطقه‌ای و جهانی کشور را اتخاذ کرده است. سیری که با شالوده‌ی حق محور خود، پس از درنوردیدن منطقه، ابعاد جهانی به خود گرفته و نقش تعیین‌کننده‌ای در هندسه‌ی جدید قدرت ایفا خواهد کرد.

۴-۱. تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی بر هندسه‌ی جهانی قدرت  
اثربخشی قدرت نرم جمهوری اسلامی به دو شیوه‌ی اثربخشی مستقیم و غیرمستقیم،  
تقسیم می‌شود که هر کدام مؤلفه‌ها و کاربست‌های خاص خود را دارا است.

۴-۱-۱. اثربخشی مستقیم بر هندسه‌ی جهانی قدرت با بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت

### نرم فطرت محور

فطرت و گرایش طبیعی انسان‌ها به حقیقت، آن‌چنان قدرتی دارد که افزون بر توان به زیر کشیدن قدرت‌های پوشالین، می‌تواند بزرگ‌ترین قدرت را برای حق و حقیقت ایجاد کند. بر طبق تعالیم دینی زبان مشترک انسان‌ها، زبان فطرت است و اگر در فرآیند بهره‌برداری از قدرت نرم، زبان فطرت کشف شود و به عنوان وجه مشترک ملت‌ها بر آن تأکید گردد، صدور انقلاب و تجویز «سبک زندگی حقیقی»، باعث خواهد شد که ملت‌ها با حقوق راستین بشر آشنا شوند و افکار عمومی آن‌ها بدون استفاده از ابزار اقناع بیرونی بلکه با بهره‌گیری از ابزار اقناع فطری، همراه و هم‌فکر جریان ایدئولوژیک نظام اسلامی شوند. با عنایت به گسترش ارتباطات جهانی و شبکه‌ی فضای مجازی، امروزه بسترهای مادی این فعالیت‌ها و ارتباطات نیز فراهم است و مسلماً اگر بتوانیم خود را به ابزارهای فناورانه و نوین ارتباطی مسلح کنیم و وسایل ارتباط جمعی را در مجرای حق به کار ببریم، قدرت فطرت بشر خود را نشان خواهد داد و مجال خودنمایی را از مستکبران جهانی خواهد گرفت.

نامه‌های رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی و اروپایی نمودار تمرکز بر وجوه مشترک فطرت محور است و با توجه به جایگاه مقام معظم رهبری به عنوان رهبر بزرگ‌ترین جریان معارض غرب، توانسته با وجود بایکوت‌های شدید رسانه‌ای به گوش جامعه‌ی جوان مخاطب برسد و نقش بیدارگری خود را انجام دهد. مطالعه‌ی موردی پیاده‌روی سالیانه اربعین در مسیر نجف تا کربلا نیز مؤید کارایی ابزار فطرت است. اجتماع بالغ بر

بیست میلیون نفر از نژادها، مذاهب و ادیان گوناگون در کشوری که از آن به یکی از ناامن‌ترین کشورهای جهان یاد می‌شود و درگیر جنگ با خطرناک‌ترین تروریست‌های جهانی است، برّندگی ابزار فطرت را نشان می‌دهد. چگونه یک نهضت و جریان منطبق بر فطرت که صدها سال از روی دادن آن می‌گذرد، می‌تواند این جمعیت عظیم را در بیابان‌ها جمع کند و سختی‌ها و خطرات راه را بر آن‌ها آسان نماید. کاربست زبان فطرت در استراتژی‌های فرهنگی انقلاب اسلامی کمک شایانی به صدور انقلاب می‌کند و خود به مثابه‌ی ابزاری کارا تا حد زیادی خلأ کمبود امکانات رسانه‌ای را پر می‌کند. البته این نکته از ضرورت تجهیز جبهه‌ی فرهنگی به وسایل ارتباطی نوین جهانی نمی‌کاهد. با وقوع بیداری ملت‌ها به ویژه جوانان، کار بر زیاده‌خواهی و فزون‌طلبی قدرت‌ها سخت می‌شود که این امر هندسه‌ی جهانی قدرت را در مدار حق استوار خواهد کرد.

۴-۱-۲. اثربخشی غیرمستقیم بر هندسه‌ی جهانی قدرت با الهام بخشی به «بیداری

اسلامی» و «خیزش‌های منطقه‌ای»

بدون تردید بیداری جهان اسلام با پیروزی انقلاب اسلامی معنا و مفهوم جدیدی پیدا کرد و از مرحله نظر به عمل و واقعیت رسید. احیای تفکر اسلامی بر مبنای اصول‌گرایی و دمیدن روح مبارزه و تبیین مسئله قیام که با تبیین جواز تمرد بر حاکم فاسق همراه بود از ویژگی‌هایی بود که موج بیداری اسلامی ملهم از انقلاب اسلامی آن را پدید آورد. می‌توان ادعا کرد که اولین بازتاب پیروزی انقلاب اسلامی ناشی از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و تداوم اقتدار آن در مواجهه با بحران‌ها و توطئه‌های گوناگون به خصوص در تقابل با دنیای قدرتمند غرب بود که روز به روز بر امید و اعتماد مسلمانان جهان افزوده و آن‌ها را نسبت به بازگشت به عصر طلایی اسلام امیدوارتر کرده است؛ بنابراین سطح بالای فناوری و سیاست همراه با دیانت در ایران الگویی برای کشورهای منطقه به حساب می‌آید (الغنوشی، ۱۳۷۲: ۱۷). رهبر معظم انقلاب در مورد تعریف

بیداری اسلامی می‌فرماید: «حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیام‌ها و انقلاب‌هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌گنجد، خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آن‌ها را مغلوب و مقهور ساخته است» (مقام معظم رهبری، ۹۰/۶/۲۶). خیزش‌های اسلامی و موج بیداری اسلامی ایجادشده بعد از سال ۲۰۱۱ میلادی، مرهون انقلاب سال ۱۳۵۷ مردم ایران و الگوی نظام سازی است که جمهوری اسلامی به ملت‌های جهان عرضه داشت. انقلاب اسلامی شعار خودباوری و مبارزه با خودباختگی در برابر غرب را سر داد و با تأسی از الگوی شهادت‌طلبی قرآنی، شعار آرمانی خود را عملیاتی کرد.

وجوه مشترک زیادی بین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های منطقه وجود دارد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به: اسلام‌خواهی، تضاد ایدئولوژی هیئت حاکمه با سنت‌های اجتماعی، استکبارستیزی و نفی وابستگی به نظام سلطه و مردمی بودن انقلاب‌ها، اشاره کرد. این انقلاب‌ها از آنجاکه فقدان رهبری واحد و متمرکز در آن‌ها وجود داشت، با کارشکنی‌ها و اعمال نفوذهای قدرت‌های جهانی و اقدامات گروه‌های تروریستی خصوصاً داعش، دچار انحراف و وقفه‌هایی شد و لکن موج بیداری و خیزش اسلامی به دلیل افزایش آگاهی مسلمین، قابل مهار نیست و به راه خود ادامه می‌دهد. سرنگونی یا تضعیف دیکتاتورهای وابسته به غرب در منطقه به ویژه در مصر، لیبی، تونس، یمن، بحرین و عربستان سعودی، موجب افول چشم‌گیر قدرت منطقه‌ای جبهه‌ی غربی و افزایش حوزه‌ی نفوذ جمهوری اسلامی شد؛ که به نوبه‌ی خود معادلات جهانی را به نفع جبهه‌ی مقاومت تغییر داد. بیداری ملت‌های مسلمان مقدمه‌ای خواهد بود که بیداری ملت‌های آزادی‌خواه جهان را در پی خواهد داشت. چرا که در «دهکده‌ی جهانی» مردم در جریان اتفاقات تمام نقاط دنیا قرار می‌گیرند و زمانی که حقانیت ایدئولوژی اسلام را درک کنند و قابلیت

تحقق آن را به عینه مشاهده کنند، از آن الگو می‌گیرند و عمل اجتماعی خود را بر آن منطبق می‌سازند. بدین سان انقلاب اسلامی جرقه‌ای خواهد بود که از نور آن دنیای ظلمانی امروز جهان، شعله‌ور خواهد شد.

#### ۴-۲. تأثیر مؤلفه‌های قدرت سخت جمهوری اسلامی بر هندسه‌ی جهانی قدرت

با توجه به رویکرد و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی، قدرت سخت و اقتدار نظامی کشور در جهت تهاجم و کسب منافع ملی از طریق ایجاد رعب و وحشت در دل ملت‌ها، به کار گرفته نمی‌شود؛ اما حضور در جهانی که اعضایش اقتدار نظامی را یکی از عوامل اصلی برتری ملت‌ها می‌دانند و تفکرات رئالیستی جنگ‌طلب در پوشش صلح‌گرایی هنوز در سیاست‌های اعمالی قدرت‌ها وجود دارد، کسب اقتدار نظامی حداکثری مشروع با هدف دفاع از کشور و ملت‌های مستضعف جهان و ایجاد رعب و وحشت در دل مستکبران جهانی، واجب می‌نماید. توانمندی‌های نیروهای مسلح کشور به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از نظر تئوریک در نوک پیکان تقابل نظامی و لجستیکی با جبهه‌ی غربی قرار دارد، ایالات متحده و رژیم غاصب صهیونیستی را به وحشت انداخته است. وضع تحریم‌های موشکی و فرافکنی‌های بین‌المللی بر مدار ایران‌هراسی شاهد این مدعاست. افزون بر تصور مبتنی بر واقعیت دولت‌های غربی از قدرت نظامی ایران، حضور مستقیم و غیرمستقیم جمهوری اسلامی در کشورهای سوریه، عراق، لبنان، فلسطین و یمن و پیروزی‌های چشم‌گیر جبهه‌ی مقاومت با کمک‌های تسلیحاتی و نیرویی و حضور مستشاران ارشد نظامی کشور در اتاق‌های عملیات سوریه و عراق، مایه‌ی بهت دولت‌های غربی شده است و آن‌ها را در باتلاق خاورمیانه قرار داده و سلسله ناکامی‌های نظامی آن‌ها بعد از عراق و افغانستان را اکنون در رویارویی غیرمستقیم با جبهه‌ی مقاومت اسلامی آشکار کرده است. ضعف موقعیتی ایالات متحده در منطقه باعث شده پایه‌های مشروعیت رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی به عنوان متحدان غرب و متعارضان منطقه‌ای ایران



اسلامی، سست‌تر گردد و از این رهگذر جایگاه برتر ایران اسلامی در منطقه تثبیت شود. جریانات سیاسی این دهه، سبب شده تا جهانیان به چشم یک قدرت به جمهوری اسلامی بنگرند و قدرت‌های برتری مانند روسیه برای پیشبرد اهداف خود ایران اسلامی را به عنوان متحدی مطمئن انتخاب و اقدامات منطقه‌ای مشترک خود را با هماهنگی جمهوری اسلامی انجام دهند. برآیند این مسائل، تأثیر ایران بر هندسه‌ی جهانی قدرت را نشان می‌دهد که چگونه کشوری توانسته با تکیه بر ظرفیت‌های معنوی و مادی خود، محاسبات جهانی را دستخوش تغییر کند و اثرگذاری خود را به طور روزافزون تعمیق بخشد.

## ۵. تهدیدها، فرصت‌ها و راهکارهای جمهوری اسلامی در قبال هندسه‌ی جهانی قدرت در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری

شناخت مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی قدرت جمهوری اسلامی ایران در نگاه مقام معظم رهبری، فرصت مناسبی را فراهم می‌آورد تا فرصت‌ها، تهدیدها و راهکارهای حضور توانمند ایران اسلامی در منظومه‌ی اقتضانات جدید جهانی را مشخص کرده و شرایطی را ترسیم کنیم که با وصول به آن، چشم‌انداز میانی و غایی صدور انقلاب به نقاط مختلف دنیا محقق گردد.

### ۱-۵. تهدیدهای پیش روی ایفای نقش ایران در هندسه‌ی جدید جهانی

جبهه‌ی غربی و استکباری با ایجاد مخاطرات و تهدیدها، سعی در مانع‌تراشی در راه صدور تفکرات ناب اسلامی دارد. بهره‌برداری حداکثری از ضعف‌ها، جهالت‌ها، خلأها و اختلافات موجود میان احزاب و گروه‌های سیاسی متعارض داخلی، فتنه‌افکنی‌های نیروهای خودفروخته و نفوذی و اتخاذ راهبردهای عملیات روانی گسترده و متنوع بر پایه‌ی تبلیغات رسانه‌ای، به مثابه‌ی ابزار تدافعی غرب در برابر پیشرفت صدور اندیشه‌های اسلامی، ارزیابی می‌شود. توجه به این نکته ضروری می‌نماید که صدور انقلاب از طریق لشکرکشی نظامی و امنیتی نیست، بلکه از طریق دل‌هاست که ملت‌های مسلمان به طور

طبیعی به آن علاقه‌مند می‌شوند (مقام معظم رهبری، ۸۵/۸/۱۷). فرایند این انتقال نیز باید سازمان‌یافته باشد تا مفاهیم انتقالی از گزند تحریف و آسیب مصون بمانند و به گونه‌ای عقل‌جامعه‌ی هدف را مخاطب قرار دهند که آن را بپذیرد و شیرینی پیام اسلام بر دل‌وجان گیرنده بنشیند. در راستای شناخت تهدیدهای جبهه‌ی غربی، به برخی راهبردهای ایالات متحده آمریکا در این حوزه پرداخته و مؤلفه‌های آن را از دیدگاه مقام معظم رهبری، بیان می‌کنیم:

- ۵-۱-۱. سرپوش گذاشتن بر حوادثی که در آمریکا رخ می‌دهد با منحرف کردن افکار عمومی به مسائل دیگری مانند ایران.
- ۵-۱-۲. ایجاد اختلاف قومی، مذهبی و طایفه‌ای برای ایجاد تفرقه در جامعه
- ۵-۱-۳. ایجاد ایران هراسی با هدف انزوای ایران
- ۵-۱-۴. استفاده از پول، تبلیغات، رسانه، علم، سیاست و توانایی‌های سیاسی
- ۵-۱-۵. استفاده از سازوکار غیرمنطقی، ناعادلانه و کاملاً غیر دموکراتیک سازمان ملل و شورای امنیت برای تحمیل زورگویی‌های خود.
- ۵-۱-۶. استفاده از ریاکاری، دروغ‌گویی و نفاق
- ۵-۱-۷. حمله‌ی همه‌جانبه با هدف سست کردن اعتقادات دینی، سیاسی و تقویت نارضایتی‌ها در داخل کشور و جذب جوان‌ها بخصوص جوان‌های فعال و اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان.
- ۵-۱-۸. استفاده از مذاکره برای نفوذ
- ۵-۱-۹. ایجاد اختلاف و نفوذ به مثابه‌ی دو پایه‌ی راهبردی دشمن
- ۵-۱-۱۰. دنبال کردن سیاست تجزیه‌ی منطقه‌ای

آشنایی با این راهبردها و اتخاذ بازخوردهای منطقی در مقابل دسیسه‌های غربی، رسالت جمهوری اسلامی ایران بوده و عکس‌العمل مقتضی و به موقع در نبرد ایدئولوژیک جبهه‌ای، لازمه‌ی ایفای نقش فعال در دنیای جدید است.

## ۲-۵. ظرفیت‌ها و راهکارهای بایسته‌ی جمهوری اسلامی برای نقش‌آفرینی در

### هندسه‌ی جدید

پیشروی انقلاب اسلامی در زمانی که مردم منطقه افول تدریجی قدرت‌ها را می‌بینند، با پشتوانه و عقبه‌ی عظیم فرهنگی و امکاناتی کشور، در حال بروز و ظهور است. ظرفیت‌ها و فرصت‌های زیادی در داخل کشور وجود دارد که با استفاده و مدیریت صحیح این مواهب و استعدادها بالقوه می‌توان گام‌های چشم‌گیری در مسیر آماده‌سازی جامعه‌ی مطلوب مهدوی برداشت و به آرمان‌ها و اهداف ملی جامعه‌ی عمل پوشانید. اقتضای آرمان‌گرایی واقعیت محور، نقش‌پذیری حق‌گرایانه در جورچین نوین جهان است. به نظر رهبر معظم انقلاب، ایران اسلامی نقش اساسی در هندسه‌ی قدرت جهانی ایفا می‌کند. ایشان در تبیین چرایی این مدعا به پنج نکته اشاره می‌کنند:

۱. بیداری اسلامی از ایران آغاز و تأثیرپذیر و ملهم از انقلاب مردم ایران است.

۲. ساخت مستحکمی که نظام اسلامی بر آن بنا شده که عبارت‌اند از: عقل، عاطفه، اعتقاد و ایمان.

۳. دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز و انرژی و ثروت عظیم انسانی

۴. زایش فکری بنیان‌های ایدئولوژیک کشور در مقابل نازا بودن غرب در برون‌زایی اندیشه‌های نو. جمهوری اسلامی حرف جدید دارد و از توان موج‌آفرینی در مسائل روحی، اجتماعی، حکومتی و تمدنی که در دنیا وجود نداشته، بهره‌مند است.

۵. سرسختی در برابر شیوه‌های متداول غربی در پیشبرد اهداف خود (مقام معظم رهبری،

۹۱/۵/۲۲).

فرهنگ اسلامی که بنیاد تفکرات دین‌مدارانه‌ی اسلامی است، روح استقلال‌طلبی و رشادت در بین مسلمان و فکر حیات مجدد در جامعه را ترویج کرده و آراء روشنفکران اروپا و لیبرال دموکراسی را به چالش کشیده است. جمهوری اسلامی نیز از آن‌رو که ابتناء بر فرهنگ اسلام دارد، روح حق‌مدارانه در آن موج می‌زند و صبغه‌ی اسلامی نهضت، باعث می‌شود که همه‌ی مسلمانان عالم به آن علاقه‌مند شوند و آن را از خود بدانند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «واقعیت مهم دوران ما عبارت است از توجه و کنجکاوی در دنیای اسلام، نسبت به این پدیده که در کشور ایران اسلامی روز بروز رشد کرده است» (مقام معظم رهبری، ۹۳/۳/۱۴). تبدیل ظرفیت‌های بالقوه به توانمندی‌های بالفعل، ضرورت تدوین راهبردهای هوشمندانه و زمان‌شناسانه را به دست می‌دهد تا با مدیریت منسجم، به انجام وظایف در حوزه‌های بین‌المللی پرداخته شود. از نگاه رهبر انقلاب، ایران دارای دو راهبرد در نظام جدید قدرت است:

۱. از تحلیل واژگونه، فهم غلط و انحراف در فهم جلوگیری به عمل آورد و اوضاع واقعی را به گوش همگان برساند تا برداشت‌ها اصلاح و ترس‌ها ریخته شود.
  ۲. خودسازی و ایجاد آمادگی برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید و استفاده از تمام ظرفیت‌ها و توانایی‌های داخل و بیرون از کشور. عمق راهبردی در منطقه، آمریکای لاتین و آسیا و حمایت از ایران توسط برخی کشورها به خاطر اسلام، زبان و مذهب، در زمره‌ی ظرفیت‌های بیرونی نظام قرار می‌گیرند (مقام معظم رهبری، ۹۳/۶/۱۳).
- ایشان بر این مسئله تأکید دارند که ما باید بفهمیم که دنیا درگیر تحولات اساسی است و برخلاف جنگ جهانی دوم، دیگر از تحولات بین‌المللی غفلت نوزیم و پرده‌ی غفلت را از ذهن‌های کشورهای منطقه و ملت‌های مسلمان بزدااییم و با بازتولید معارف والای اسلامی، احساس هویت و شخصیت اسلامی را در مسلمانان، احیا کنیم (مقام معظم رهبری، ۹۲/۱۲/۱۵).

در این میان، حضور فعال، هوشمندانه و مقتدرانه‌ی دستگاه دیپلماسی در عرصه‌ی ارتباط با بازیگران سنتی و بازیگران جدید در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، جایگاه و استحکام جمهوری اسلامی را در نظم جهانی تثبیت و ابتکار عمل را از دست دشمن خارج می‌کند و کارایی مدل اسلامی قدرت هوشمند را به جهانیان نشان می‌دهد (مقام معظم رهبری، ۹۳/۵/۲۲).

## نتیجه‌گیری

کلیدواژه اصلی رقابت‌های قرن حاضر حول محور «تعارض ایدئولوژیک» جریان دارد و کشورها به دنبال ارائه و تحمیل نظام معرفتی خود به عنوان الگویی برتر بر سایر ایدئولوژی‌ها هستند و کاربست اصولی «قدرت همه‌جانبه» را کلید کامیابی در عرصه‌ی تعارضات پیچیده‌ی جهانی تلقی می‌کنند. کشوری در استفاده هر چه بهتر از «قدرت همه‌جانبه»، موفق خواهد بود که افزون بر عقبه‌ی غنی معرفتی، واجد قدرت اقتناع و مشروعیت سازی بین‌المللی باشد و بتواند وجه تمایز خود را از دیگر مکاتب تبیین کرده و با تکیه بر پشتوانه‌ی قدرت سخت، دست برتر را دارا شود. تفکرات جامع و کامل اسلامی در مقایسه با رقبای غربی خود دارای سطحی از توانمندی است که می‌تواند به الگویی بی‌بدیل در عرصه‌ی حکومت سازی و مدیریت جوامع تبدیل شود. مشروط بر اینکه مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران به عنوان نماینده‌ی تفکرات ناب اسلامی، بتواند نقش خود را در هندسه‌ی جهانی قدرت به درستی ایفا کند. ایران اسلامی این ظرفیت را دارد تا با بهره‌گیری از اندیشه‌ی ناب اسلامی و با تکیه بر موقعیت ژئوپلیتیک، عمق راهبردی و گفتمان فطرت محور خود و با طراحی «الگوی اقتدار همه‌جانبه» که مدل بومی‌شده‌ی قدرت هوشمند است، جایگاه خود را در معادلات جدید قدرت تثبیت کرده، ارتقاء بخشد و با اتخاذ استراتژی تلفیق مدیریت‌شده‌ی «الگوی اقتدار نظامی» و «قدرت نرم اندیشه محور»، به تولید «مدل ایرانی اسلامی اقتدار همه‌جانبه» که مبتنی بر اندیشه‌ی سیاسی حضرت امام و مقام معظم رهبری است، اهتمام ورزد و از این مجرا، صدور انقلاب و الهام بخشی به جنبش بیداری اسلامی و آزادی‌خواهی جهانی را محقق ساخته و گام مهمی در جهت به چالش کشیدن حداکثری جبهه‌ی استکباری و مقدمه سازی ظهور و استقرار ملک مهدوی بردارد. نگاه ما به خودمان و مسائل جهان باید نگاهی جدی و عمیق باشد تا بتوانیم خودمان را برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید با استفاده

از همه‌ی ظرفیت‌های داخلی و عمق راهبردی خارجی، آماده کنیم. وصول به این مهم اتخاذ استراتژی و فرآیند تصمیم‌گیری‌ای را می‌طلبد که اصولی و جامع‌الابعاد باشد و بتواند با بهره‌گیری از «الگوی جاذبه و دافعه‌ی اسلامی»، ضمن ترکیب اقتدار قاطع با قدرت نرم، بهترین بازدهی را در معادلات بین‌المللی ایجاد کند.

## منابع:

- افتخاری، اصغر و ناصر شعبانی (۱۳۸۹)، قدرت نرم نبرد نامتقارن تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و جنگ ۲۲ روزه غزه، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۷)، قدرت نرم و سرمایه‌ی اجتماعی، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷)، «مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مطالعه بسیج، شماره چهل و یکم.
- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۹۰)، درآمدی بر قدرت هوشمند؛ مطالعاتی برای جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه آموزشی صنایع دفاعی.
- بابایی، محمداقبر (۱۳۸۷)، «فرهنگ و تفکر بسیجی و قدرت نرم»، مجموعه مقالات قدرت نرم؛ فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج)، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، چاپ اول.
- باقری، سیامک (۱۳۸۷)، «بسیج و مدیریت قدرت نرم؛ رویکردی سیستمیک»، مجموعه مقالات قدرت نرم؛ فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج)، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، چاپ اول.
- جعفری‌هرندی، امیررضا، ۱۳۹۴، شیوه‌ها و ابزارهای نفوذ ایالات متحده در عراق پس از خروج نیروهای آمریکایی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی.
- جلیلی، سعید، تیرماه ۱۳۶۹، سیاست خارجی پیامبر، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران: دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دکتر عبد خدایی.



جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۲)، «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات قدرت نرم، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، چاپ اول.

حسین‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.  
دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (بهار ۱۳۹۰)، «فناوری‌های قدرت در جنگ نرم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره مسلسل ۵۱.

رضایی، محسن (۴ اردیبهشت ۱۳۸۴)، ایران قدرت منطقه‌ای؛ فارسی‌زبان منطقه‌ای، <http://www.rezaee.ir>

عسگری، محمود (۱۳۸۳)، «قدرت نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره ششم.  
الغنوشی، راشد (۱۳۷۲)، حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام، ترجمه‌ی سید هادی خسروشاهی، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات.

کبریائی‌زاده، حسن (۱۳۹۰)، «قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران و انقلاب‌های خاورمیانه»، ماهنامه روابط فرهنگی، سال نخست، شماره ۴.

کچوئیان، علیرضا، ۱۳۹۳، الزامات و سازوکارهای تلفیق قدرت نرم و سخت (قدرت هوشمند) در سیاست خارجی؛ مطالعه موردی سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما در قبال ایران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی.

کرباسی‌عامل، وحید، ۱۳۹۱، قدرت نرم از نگاه قرآن کریم، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی.

کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۷)، «بررسی و نقد قدرت نرم در گفتمان غربی»، مجموعه مقالات قدرت نرم و سرمایه‌ی اجتماعی (مطالعه موردی بسیج)، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، چاپ اول.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، «منابع قدرت نرم، سرمایه‌ی اجتماعی نظام جمهوری اسلامی»، پانزده خرداد، شماره شانزدهم.

مرادیان، محسن (۱۳۹۲)، «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات قدرت نرم، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، چاپ اول.

مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۹)، فرهنگ سیاسی ایران، چهارم، تهران: فرهنگ صبا.

مهدوی، اصغر آقا و نادری، مهدی (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال هفتم، شماره دوم.

نای، جوزف (۱۳۸۲)، «مزایای قدرت نرم»، همشهری دیپلماتیک، ۲۵ تیر، شماره ۵۶.

نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، چاپ اول.

واتانابه، یاسوشی و مک کانل، دیوید (۱۳۸۹)، «اهمیت قدرت نرم»، مجموعه مقالات آموزش عالی، فرهنگ‌عامه و قدرت نرم (مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده).

ترجمه سید محسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، چاپ اول.

Baldwin, D (2003), power and international relations, In w. carlsnaes etal. Eds. Handbook of international relation, London: sage.

Minamide, Aly and Reynolds, Tim (2013), smart power: New US foreign policy. Retrieved from <http://www.claremontpartside.com>

Reinold, Theresa (2003), soft power in foreign policy, Germany, Berlin: VDV verlag.